

سیری موشکافانه به باطن خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در شام

خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در شام خطابی به تمام قرن ها بود.

خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در شام یک عملیات چندبُعدی و هوشمندانه است، که فقط از عهده مفسر و ادیبی مثل دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) برمی آمد. پس از واقعه عاشورا بازماندگان حادثه را به اسیری بردند. ابتدا آنها را به کوفه منتقل کردند و پس از اهانت‌ها و تحقیرهای بسیار در شهر، آنها را به کاخ کوفه منتقل کردند.

خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در کاخ ابن زیاد خطبه‌ای تکان دهنده بود که پس از آن کاروان را در شرایطی دردآور از مسیری سخت به شهر شام منتقل کردند. شام که سال‌ها تحت تربیت فاسد معاویه بود، این خاندان را نمی شناخت و از شکست آنها مسرور بود.

یزید پس از مدت کوتاهی بزم شرابی ترتیب داد و اشراف را به آن دعوت کرد. پس از اهانت‌های بسیار به اسرا و سر مبارک امام، حضرت زینب (سلام الله علیها) قیام کرده و خطبه‌ای کوبنده خواندند. خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) نه فقط کاخ یزید، بلکه تاریخ را بیدار کرد. این خطبه کلامی هوشمندانه و نقشه‌ای دقیق و نقطه‌زن برای شکست و افشای ظلم و فساد بنی امیه بود.

خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) مجموعه‌ای از آرایه‌های ادبی و فنون کلامی و سخن‌وری بود، که به شکلی هنرمندانه به ترکیب منظم و مدون مفاهیم پرداخته بود. محتوای خطبه کاملاً منطبق با قرآن بود و حضرت به تفسیر زنده قرآن پرداختند. ایشان که فصاحت و بلاغت را به ارث برده بودند، کوبنده‌ترین کلام را در قدرت‌مندانه‌ترین حالت به زبان آوردند؛ قدرتی باطنی که هیچ بلا و مصیبتی نمی توانست به آن خدشه وارد کند. این کلمات انسان‌ساز در وضعیت روحی خاصی ارائه شدند، که هر انسانی از گفتن جملات معمولی هم ناتوان است. پاسخ بعضی سؤالات می تواند ما را به معرفت بیشتری نسبت به خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) و هدف آن برساند، سؤالاتی مثل:

• شرایط روحی و جسمی اسرا در شام چگونه بود؟

• حضرت چه اصول و فنونی در خطبه پیش بردند؟

• آیا خطبه فقط مختص آن مجلس و حاضرین بود؟

• شیوه بهره‌گیری ایشان از قرآن در خطبه چگونه بود؟

• محتوای خطبه حضرت حول چه محورهایی می‌چرخید؟

• پیشینه و شناخت مردم شام نسبت به خاندان بنی‌هاشم چگونه بود؟

لازم است مختصراً بدانیم خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) خطبه‌ای برای تمام قرن‌ها و تمام مردم عالم است. هر کدام از ما هم قابلیت حسینی شدن داریم و هم ظرفیت یزیدی شدن. این خطبه هشدار بیدارباش برای تمام افرادی است، که در مسیر حسینی و یزیدی بودن متزلزل و دررفت‌وآمد هستند. اگر مشتاقید پاسخ تمام سؤالات مطرح‌شده را بدانید، با ما همراه باشید.

احوال شام و شامیان در عصر یزید

شاید شما هم بارها از روضه جان‌سوز وضعیت اسرا در شام و خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در شام شنیده‌اید. حضرت علاوه بر شام خطبه دیگری در کوفه هم خواندند، اما هیچ مصیبتی برای این خاندان مثل شام نبود. جدا از اهانت‌ها و اسارت‌ها و بی‌حرمتی‌ها، فضای فرهنگی و اجتماعی شام با سایر مناطق متفاوت بود. مردم شام با مردم کوفه متفاوت بودند. آنها برخلاف کوفیان نه تنها به درستی اهل بیت (علیهم‌السلام) را نمی‌شناختند، بلکه دشمن ایشان هم بودند.

خلیفه دوم حکومت شام را به معاویه واگذار کرده بود و مردم شام سال‌ها تحت تربیت معاویه بودند و اسلام را از طریق او می‌شناختند. شامیان سیره رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را نمی‌شناختند و فقط بنی‌امیه را خویشاوند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌دانستند. آنها بیش از چهل سال چیزی جز بدگویی از حضرت علی (علیه‌السلام) نشنیده بودند و لعن و نفرین ایشان از فریضه‌های دینی واجب ایشان بود. آن‌زمان هم به آنها القا شده بود که این اسرا علیه خلیفه قیام کرده‌اند و از دین خارج شده‌اند، پس آنها را خارجی خطاب کنید.

با این‌وصف تکلیف حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در شام بسیار سنگین بود و ایشان باید چهل سال سم‌پاشی معاویه را خنثی می‌کردند. خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در اینجا تجلی صفت مبدل و تبدیل‌کننده خداوند بود، که باید آتش قلوب مسموم شامیان را به گلستان محبت معرفت اهل بیت (علیهم‌السلام) تبدیل می‌کرد.

شرایط حضرت و اسرا مشابه مسلمانان در جنگ احزاب بود. مخلصین در احزاب با دیدن قدرت کفار نه تنها از مسیر حق خارج نشدند، بلکه ایمان‌شان محکم‌تر شد. ایشان که از خاندان هدایت هستند و گمراهی هیچ انسانی را طاقت نمی‌آورند، خود را موظف دیدند کار نیمه‌تمام امام‌شان را تمام کنند. خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) باید با یک مخاطب‌شناسی قوی ارائه می‌شد، تا بتواند تحولی عظیم در بینش و معرفت شامیان نسبت به علت نهضت حسینی ایجاد کند. البته هدف خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) صرفاً انقلاب فرهنگی در مردم شام نبود، بلکه حضرت به تمام مردم عالم در تمام عصرها می‌اندیشیدند.

محتوای خطبه حضرت در کاخ یزید

خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) خطبه‌ای کاملاً ریاضی و مهندسی شده بود. ایشان کلام خود را بدون «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» و با حمد و ستایش خداوند آغاز کردند. سپس به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و آل ایشان درود فرستادند. بلافاصله با استناد به قرآن در مورد سنت خدا در مهلت به ستمگران، یزید را سرزنش کردند. حضرت این ظلم و تحقیر یزید

را کینه او از شکست مفتضحانه اجدادش در جنگ بدر به دست بنی‌هاشم دانستند. سپس به افشاگری پیشینه سپاه اجداد او پرداختند. حضرت از جنایت به‌دندان کشیدن جگر حضرت حمزه توسط مادر بزرگ یزید سخن به‌میان آورده و با عبارتی پر از تحقیر و کنایه او را خطاب کردند. درمقابل این خطاب، خود و خاندان‌شان را سرورانی معرفی کردند، که آزادی دیگران از بردگی به دست آنها صورت می‌گیرد. ایشان خود و خاندان‌شان را حزب‌الله دانستند و یزید و اجداد و اصحابش را حزب شیطان معرفی کردند. حضرت نجابت و شرافت خاندان خود و شرارت و رذالت خاندان یزید را به همه گوشزد کرده و آن‌را در تاریخ ثبت کردند.

ایشان به یزید طعنه زدند، که از این فتح و ظفر خوشحال نباشد و با فخر و عزت به خاندان غاصب خود ننازند، چرا که او هم به زودی به آنها ملحق و به عذاب آنها دچار می‌شود. سپس حضرت از انتقام صحبت کردند، البته نه انتقامی که توسط خودشان گرفته شود، بلکه او را به دادگاه الهی که بزرگ‌ترین و سخت‌ترین دادگاه است، واگذار کردند. حضرت فقط به رسوایی یزید قانع نشدند و خطبه را به‌سمت واگذاری غصبی خلافت توسط معاویه هدایت کردند. ایشان فرمودند، آن کسی که تو را بر دوش مسلمین سوار کرد، به زودی می‌فهمد عاقبت ظالمان چیست و لشکر چه کسی ضعیف‌تر و ناتوان‌تر است. حضرت در فرازی عجیب به چرخش روزگار و امتحان‌ها اشاره کردند و فرمودند: «بلائیای بزرگ روزگار کار مرا به جایی کشاند، که با تو هم‌کلام شوم، اما بدان من ارزش تو را کوچک و حقیر می‌دانم و سرزنش و توبیخ تو را بزرگ می‌شمارم.»

ایشان در ادامه به اعتماد و تکیه محکم خود در بلایا به خداوند اشاره کردند و به یزید فهماندند، که او هرچه قدرت و ترفند به کار ببندد، نمی‌تواند نور خورشید این خاندان شریف را محو و خاموش کند. سپس باز هم به حمد و ستایش عمیق خداوند پرداختند و از او طلب شهادت و رحمانیت کردند.

یک عملیات ترکیبی خانمان برانداز در کاخ یزید

گفتیم اسلام شام، اسلام اموی بود که فرهنگ خاص و نژادپرستانه‌ای داشتند و عرب را بسیار محترم می‌شمردند. آنها به علم و فرهنگ بسیار علاقمند بودند و شعر و کلام و شاعری برایشان محبوب بود و از آن لذت می‌بردند، اما با این حال قرآن را قبول داشتند و به رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) معتقد بودند. پس حضرت باید در کوتاه‌ترین زمان نقطه‌زن‌ترین خطبه را بر اساس مختصات آن مکان و زمان طراحی کرده و ارائه می‌دادند.

خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) مجموعه‌ای دقیق و مهندسی‌شده از تمام علاقمندی‌ها و اعتقادات شامیان بود، که به ماهرانه‌ترین شکل در کنار هم چیده شده بود. این خطبه مجموعه‌ای چندبُعدی از قرآن، فن بیان، آرایه‌های ادبی، احادیث نبوی، لهجه فصیح عربی و بیان وقایع تاریخی بود.

ایشان راهکاری انتخاب کرده بودند، که هیچ‌کدام از حاضرین و غایبین نتوانند با آن مقابله کرده و آن را رد کنند. هرکسی با هر انتخاب و سلیقه‌ای به این خطبه رجوع می‌کرد، با حقیقت و صدق و زیبایی مواجه می‌شد.

همه می‌دانیم عرب قومی متعصب و نژادپرست است، مخصوصاً آن زمان که هنوز خصوصیات عصر جاهلیت از جان بعضی اعراب نرفته بود. آنها حتی در جنگ هم اسیر عرب نمی‌گرفتند و اغلب اسیرانشان از ترک و روم و عجم بودند. حضرت با ذکاوت بسیار طوری با فصاحت و بلاغت عربی خطبه خواندند، که انگار حضرت علی (علیه‌السلام) بر منبر مسجد کوفه در حال سخن‌رانی هستند. ایشان در کاخ یزید ادیبی بودند، که با وجود همه بحران‌ها و دردمندی‌ها ادیبانه سجع و قافیۀ سخن را در خطبه‌خوانی رعایت می‌کردند. شرایط به‌سمتی رفت، که حاضرین متعجب بودند که اگر این شخص اسیر است، چرا عالمانه به زبان عربی سخن می‌گوید؟

سخنان شورانگیز و حرکت‌آفرین ایشان با احاطه به قرآن و سرشار از فلسفه و جهان‌بینی اسلامی بود. خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) در نهایت شیوایی و رسایی با برهان‌ها و استدلال‌های عجیب توانست مردم خواب‌زده را بیدار کند و به آنها جرئت مطالبه و حرکت بدهد.

حضرت از کودکی ناظر خطبه خوانی پدر و شنوای باهوش خطبه های مادر بودند. طبیعی است که بتوانند در چنین مجلسی یزید را بی آبرو کنند. آورده اند که یزید و حاضران پس از خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) چنان سر به زیر انداخته بودند، که انگار پرنده بر سرشان نشسته است.

نمونه ای کوچک از فنون کلامی و ادبی در خطبه

حضرت زینب (سلام الله علیها) دختر قرآن و زاده قرآن ناطق هستند، پس رویه خطبه را هم سو با قرآن کریم و قرآن ناطق پیش می بردند. قالب کلی خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) مشابه خطبه خوانی رسول الله (صلی الله علیه وآله) و خطبه های امیرالمؤمنین (علیه السلام) و خطبه فدکیه حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بود.

خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) بدون «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز شد. گفتیم حضرت تا مدتی قبل دختر امیر کوفه بودند و کلاس تفسیر قرآن ایشان در کوفه مثل و مانند نداشت؛ پس چرا ایشان از آوردن «بسم الله الرحمن الرحیم» در ابتدای خطبه خودداری کردند و خطبه را با حمد خدا آغاز کردند؟ پاسخ این سؤال را می توانیم با رجوع به سوره توبه پیدا کنیم. سوره توبه تنها سوره بدون بسم الله در قرآن است. دلیل این مسئله آن است که «بسم الله الرحمن الرحیم» رحمت خداوند را یادآوری می کند و متناسب و هماهنگ با اعلام برائت و بیزاری نیست. حضرت در مجلس یزید در بین قومی سخن می گویند، که عهدهاشان را شکسته و با کفار و منافقین عهد بسته اند، چون ایشان ابتدا می خواستند از مشرکین مسلمان نما بیزاری بجویند، کلام خود را با استناد به سوره توبه شروع کردند.

اصلاً تمام خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) عصاره قرآن کریم و تفسیر دقیق و موشکافانه آن است. ایشان در ادامه خطبه بسیار هوشمندانه در کنار حمد و ستایش خدا نسبت خود با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را به رخ همگان کشیده اند. هر کس ایشان را نمی شناخته، با همین جملات به اصل و نسب شریف ایشان پی می برد. این فن ادبی را براعت استهلال می گویند.

براعت استهلال یعنی کلام را چنان شیوا، روان و جذاب شروع کنیم، که بتواند با ظرافت خاصی به موضوع مورد نظرمان هم اشاره کند. هر جمله در خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) در مناسبترین نقطه استفاده شده است. مثلاً جملات دعایی، نفرین‌ها و تلنگرها در سیر صعودی و نزولی خطبه دقیقاً رعایت شده است.

خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) بیان‌گر یک گفتمان تقابلی بین ایشان و یزید است. گفتمان تقابلی یک نوع مکالمه بین افراد است، که ذهن مخاطب را به مقایسه طرفین مکالمه می‌کشانند و آنها را به تفکر در این رابطه مشغول می‌کند. مثلاً ایشان یزید را «[یابن الطلقاء](#)» ای فرزند اسیران آزادشده خطاب می‌کنند و به روش‌های مختلفی انتساب خود و خاندان‌شان را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) یادآوری می‌کنند. ایشان در این حرکت می‌خواهند جایگاه پست دیروز اجداد غاصب یزید و کرامت خاندان نبوی را به یاد او بیاورند. این مسئله نشان‌دهنده آن است که ایشان قدرت‌مندان خود را بالادست این شخص سخیف می‌دانند، قدرتی که فجایع کربلا هم نتوانسته به آن آسیبی برساند.

تفسیری نو از قرآن محمدی در کاخ یزید

خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) مجموعه‌ای از سبک‌های متنوع و روش‌های تفسیری مختلف است. روش‌هایی مثل تفسیر قرآن به قرآن، بیان آیات، روش جری و تطبیق، استفاده از تمثیل، استفاده از شأن و سبب نزول آیات. برای مثال به ذکر چند نمونه از این روش‌های تفسیری می‌پردازیم:

• روش جری و تطبیق:

این روش در اصطلاح علوم قرآنی به معنای تطبیق مفهوم آیه با مصداقی جدید است. مثلاً اگرچه آیه‌ای در مورد بنی اسرائیل نازل شده، اما ممکن است این آیه تا قیامت به هزاران قوم دیگر نسبت داده شود و گویای حال آنها باشد. خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) سرشار از این روش تفسیری است، برای مثال:

آیه 10 سوره روم: این آیه در مورد قوم عاد و ثمود و کفار عجم و شکست‌ها و حوادث مربوط به آنها نازل شده است. حضرت در این بخش به حاضران فهماندند، که یزید آیات خدا را مسخره کرده و گناهانش او را به کفر رسانده است. خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) بیان کرد، که حال یزید و یارانش با آن اقوام متفاوت نیست و به سرنوشت آنها دچار خواهند شد. آیات 169 و 170 سوره آل عمران^۲: این آیات به جاودانگی و سرور شهدا اشاره دارند. حضرت با استناد به این آیه به یزید فهماندند، که شادی تو از قتل حسین (علیه‌السلام) و اصحابشان کاملاً احمقانه و جاهلانه است. تو فکر می‌کنی حسین (علیه‌السلام) نابود شده و از این ماجرا خوشحالی، در حالی که حیات و سرور حقیقی آنها تازه شروع شده و جاودان است.

• بیان مصادیق آیات:

بسیاری از تفسیرهای ائمه (علیهم‌السلام) اشارات و تمثیل‌هایی برای فهم قرآن به ماست. در 4 نقطه از خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) از این روش استفاده شده و یزید را مصداق بارز آن آیات معرفی کرده‌اند:

آیه 50 سوره کهف^۳: حضرت «بئس للظالمین بدلاً؛ چه بد جایگاهی برای ستمگران است.» را در مورد کسی که یزید را بر دوش مسلمانان نشاند، به کار برده‌اند. ایشان نه تنها یزید را خوار کردند، بلکه حقیقت غاصب وجود معاویه را هم افشا کردند؛ زیرا معاویه یزید را بر جایگاه حرام خلافت نشاند.

آیه 75 سوره مریم^۴: حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به بخشی از سوره مریم «من هو شر مکاناً و اضعف جنداً» در این مورد که چه کسی جایگاهش بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است، اشاره کرده است، فرصتی که خدا به ظالمان می‌دهد و آنها به زودی می‌فهمند که از همه ناتوان‌تر و بی‌چاره‌ترند.

¹ سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند

² کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده میندازد، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. از فضیلتی که خدا نصیبشان کرده است شادمانند. و برای آنها که در پی‌شان هستند و هنوز به آنها نپیوسته‌اند خوشدلند که بیمی بر آنها نیست و اندوهگین نمی‌شوند

³ ظالمان را (که به جای خدا شیطان را به طاعت برگزیدند) بسیار بد بدلی است

⁴ پس کافران به زودی خواهند دانست که (از مؤمن و کافر) کدام یک روزگارش بدتر و سپاهش ضعیف‌تر است

آیه 10 سوره حج⁵: این قسمت از خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) به عذابی که یزید در جهنم برای خود آماده کرده، اشاره می کند.

آیه 19 سوره شعرا⁶: این جمله را زمانی به کار می برند، که بخواهند سنگینی و زشتی اقدام کسی را ذکر کنند. حضرت هم در این قسمت به عظمت جرم و گناه یزید اشاره می کنند.

مخاطب خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) کیست؟

سالها به ما گفتند و شنیدیم که خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) خطاب به یزید بود، اما آیا حقیقت ماجرا این است؟ آیا حضرت صرفاً خطبه را خطاب به یزید ایراد کردند؟ شاید ظاهر ماجرا معرکه کاخ یزید و خطبه خوانی برای یزید باشد، اما باطن ماجرا عمیق تر و گسترده تر از این حرفهاست. باید پرده های سطحی ماجرا را کنار بزنیم و بیشتر به لایه های پنهان هدف این خطبه فکر کنیم. درست است، خطبه حضرت زینب تبر بود و حضرت زینب (سلام الله علیها) ابراهیم بُت شکنی بودند، که یزید و بنی امیه را نه فقط در کاخ شام، بلکه در کل تاریخ شکستند، اما ماجرا فقط به اینجا ختم نمی شود.

اگر امامی در کربلا شهید شد، قطعاً مأمومی باید باشد، که خون او و هدف قیام او را زنده نگه دارد. اصلاً کمی به عقب برگردیم. اگر مردم مأموم های وفادار و بابصیرتی بودند، کار امام به جنایت کربلا نمی کشید. اگر مأموم های صادق و پای کاری برای امام وجود داشت، کار حضرت به خرابه های شام و خطبه خوانی در مجلس یزید نمی کشید.

ظاهر خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) خطاب به یزید بن معاویه بن ابی سفیان بود، اما در باطن خطاب به تمام یزیدصفتان گذشته و آینده عالم بود. شاید با خواندن این جمله خودمان را از این خطاب دور بدانیم و فکر کنیم، ما هیچ وقت یزیدصفت

⁵ این عذاب آتش به سزای همان اعمال زشتی است که با دست خود پیش فرستادی و این که خدا هرگز کمترین ستم در حق بندگان نخواهد کرد

⁶ و [سرانجام] کار خود را کردی، و تو از ناسپاسانی

نبوده‌ایم و نمی‌شویم. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که اگر بخش کثیری از ما و گذشتگان تاریخ در این گروه نیستیم، پس چرا منتقم حسین (علیه‌السلام) هنوز در پس پرده غیبت است؟ اصلاً می‌دانیم یزیدی بودن یعنی چه؟

در چرخش و دوران این گنبد دوار، تاریخ تکرار می‌شود و شخصیت‌ها هم به تبع تکرار تاریخ، تکرار می‌شوند. در وجود همه ما قابلیت حسینی شدن و ظرفیت یزیدی شدن وجود دارد. در روایات آورده‌اند که امام حسین (علیه‌السلام) فرمودند: «اگر مهدی را درک می‌کردم، تمام روزهای عمرم را به او خدمت می‌کردم.»⁷

باید به خودمان سفر کنیم و سر از کار قلب‌مان دریاوریم. باید با یک حساب سرانگشتی عیار حسینی و یزیدی بودن‌مان را محاسبه کنیم، اگر سبک‌زندگی، ارتباطات، انتخاب‌ها، افکار و اولویت‌های ما مشابه امام حسین (علیه‌السلام) بود، حسینی هستیم و می‌توانیم مأموم خوبی برای امام زمان خودمان باشیم. اگر سبک‌زندگی و اولویت‌های ما غیر از این است، خطاب حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) به سمت ما هم هست. راه حق، میانه و لبیک نیم‌بند ندارد، یا با امام باش، یا با هر که می‌خواهی باش.

قلبی که پرتردد از معشوق‌های دنیوی مختلف و متعدد است، شدیداً مستعد یزیدی شدن و یزیدی بودن است. معشوق‌هایی مثل ثروت، شغل، زیبایی، خانواده، قدرت و علم و ... آن قدر خانه قلب را پر می‌کنند، که جایی برای امام نمی‌ماند. ردائلی مثل منیت، تکبر، تنبلی، شهوت و ... چنان فضای قلب را نجس و مکدر می‌کنند، که قلب دیگر طاقت طهارت امام را ندارد. همان بلایی که بر سر یزید آمد. یزید پیش از آنکه حق خلافت را از امام غصب کند، غاصب بود، از همان زمان که قلبش را رهن ردائل و معشوق‌های توهمی کرد و دلی که جای امام بود را از امام غصب کرد. از این زمان بود که غصب کردن برای او عادت شد.

حالا با سفری به درون و تفکری در خود، دنبال رد یا ردهایی از یزید در قلب‌مان بگردیم. اگر ردی دیدیم، بدون فوت وقت بازگردیم و خطبه حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) را با نگرشی جدید بخوانیم، این بار خطبه را خطاب به خودمان بخوانیم. به

گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم، فرهنگ جامع سخنان امام حسین، علی مؤیدی، تهران: چاپ و نشر بین الملل، 1398، ص 733 / محمدبن علی کراچی، عبدالله نعمه، کنز الفوائد، قم: مجمع ذخائر اسلامی، 1383 / مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، قم: کتاب جمکران وابسته به مسجد جمکران، 1386، ص 160

امید آنکه خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) تبری بر بُت‌های قلب ما شود و همان‌طور که ایشان شریكة الحسین شدند، ما

هم شریكة المهدی شویم.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer